

ایجاد تحول در کلاس درس

از کجا؟ چگونه؟ و چرا؟

اشاره

عنوان این مقاله سؤالی است که قبلاً در مجله طرح شده بود. این مقاله پاسخی به آن سؤال است.

آموزش یکی از کارهای مورد علاقه من است و در حالی که دانشجوی دکترا هستم، اوقات فراغت خود را به تدریس می‌پردازم. از آنجا که اساس تحول در هر کاری، دگرگونی ذهنیت آدمی است، من این دگرگونی را با تغییر رویکرد نسبت به شیوه‌های یاددهی - یادگیری آغاز کردم؛ یعنی روش تدریس خود را از انتقال صرف و مستقیم دانش به فرایند یاددهی - یادگیری فعال تغییر دادم. پیش از بیان چارچوب فکری خود در پاسخ مطرح شده، لازم می‌دانم توضیحاتی را ارائه دهم: با توجه به ناکارآمدی روش‌های معمول تدریس در یادگیری معنادار از یک سو و مزایای روش‌های جدید

تدریس که طی مطالعات گوناگون و تحقیقات فراوان به اثبات رسیده، من روش تدریس کاوشگری را مفید، کارساز و مناسب برای یادگیری فعال می‌دانم و بر اساس شرایط کنونی مدارسمان، تجربه خود را در این باره برای آگاهی و استفاده سایر معلمان در کلاس درس شرح می‌دهم:

در شرایط گسترش بیش از حد اطلاعات و دانش بشری که روز به روز هم دامنه آن گسترده‌تر می‌شود، انتقال صرف اطلاعات برای یادگیری عمیق، غیر ممکن و بی‌فایده خواهد بود. فرایند یاددهی - یادگیری باید یادگیری را فعال کند تا یادگیرنده مطالب درسی را درست درک کند و بتواند بیرون از محیط آموزشی در تقابل با مسائل پیش آمده از دانسته‌های خود بهره‌مند شود. من نیز به عنوان معلم با توجه به نتایج مثبتی که از اجرای روش‌های جدید آموزشی مخصوصاً نظریه شناختی و رویکرد ساختن‌گرایی به دست آمده است

و با آگاهی از کارآمدی فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات در آموزش، تصمیم گرفتم چارچوبی فکری برای تدریس خود طراحی کنم که بتوانم در آن بازده فرایند یاددهی - یادگیری را پیش‌بینی کنم. وقتی روش‌های جدید آموزشی را مطالعه کردم، روش تدریس کاوشگری به نظرم بسیار جالب آمد. روش کاوشگری به شیوه‌ای از تدریس و یادگیری گفته می‌شود که دانش‌آموز بر اساس راهنمایی خاص معلم، مفهوم یا مسئله‌ای را به‌طور انفرادی مطالعه و بررسی می‌کند و آن‌ها را می‌آزماید. سپس از اطلاعات به دست آمده، نتیجه‌گیری می‌کند و می‌کوشد به استنباط کلی برسد. در این روش شرایط آموزش به گونه‌ای فراهم می‌شود که دانش‌آموز می‌تواند از طریق فعالیت‌های فکری و خود رهبری به کشف برخی مفاهیم و اصول علمی برسد. مراحل روش کاوشگری که در کار تدریس از آن استفاده می‌کنم چنین است:

فرایند

یاددهی - یادگیری

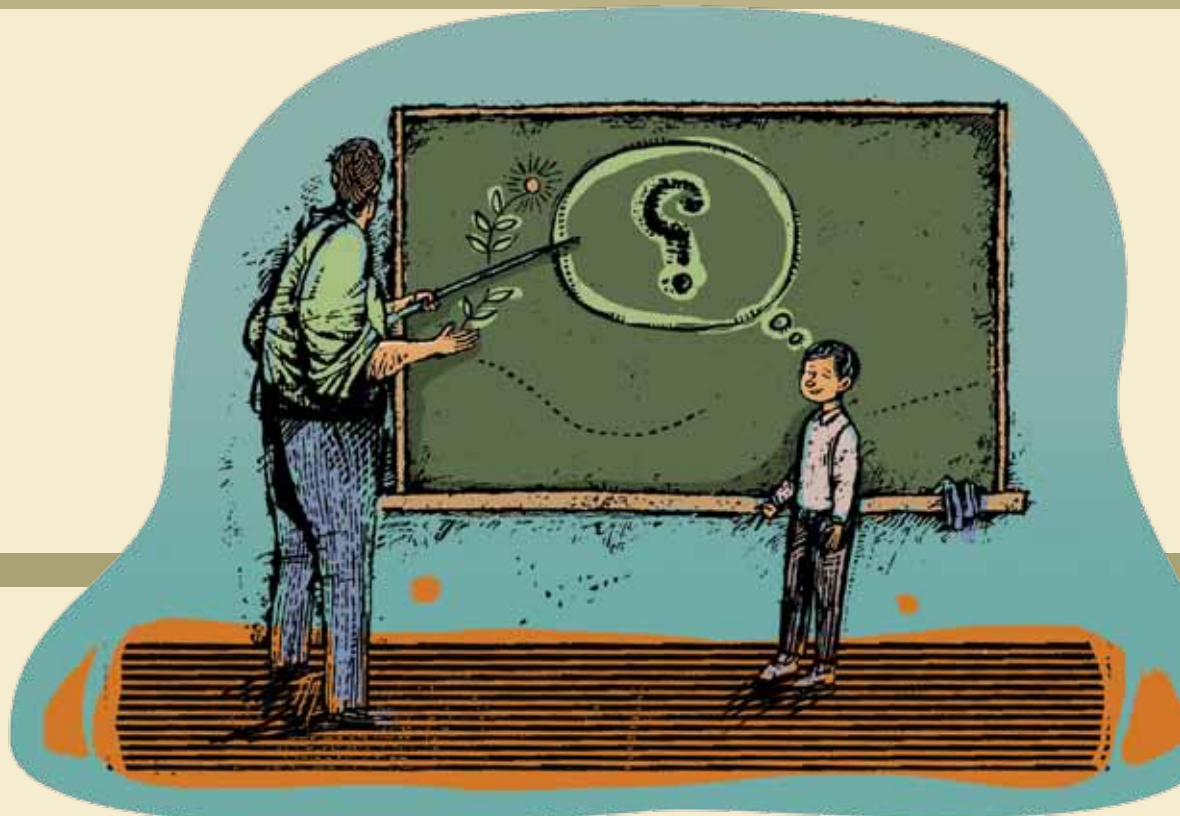
باید یادگیری

را فعال کند تا

یادگیرنده

مطالب درسی را

درست درک کند



طوری فراهم ساختم که در دانش‌آموزان انگیزه و کنجکاوی ایجاد کند، موضوع مورد مطالعه برای همه دانش‌آموزان روشن شود تا با اطمینان خاطر، اطلاعات لازم را جمع‌آوری و طبقه‌بندی کنند و نتیجه لازم را به دست آورند.

۴. به دانش‌آموزان فرصت کافی دادم تا به راحتی اظهار نظر و بحث کنند و یادداشت بردارند. به اظهارات دانش‌آموزان نیز به دقت گوش دادم و مرحله به مرحله همگام با میزان دریافت و درک آن‌ها پیش‌رفتم. برای مثال، در مورد موضوع آلودگی هوا، هر دانش‌آموز حرفی زد و درباره مضرات آلودگی هوا برای انسان‌ها، حیوانات و

کوتاه دانش‌آموزان مانند بله، نه، شاید و... توضیح بیشتری از آن‌ها خواستم و آن‌ها را به اظهار نظر، کنجکاوی و آزمایش فرضیاتشان تشویق کردم. درباره صحت و سقم نظراتشان هم به طور مستقیم دخالت نکردم.

۳. سعی کردم از طریق راهنمایی و پرسش‌های مناسب، دانش‌آموزان را در مسیر جمع‌آوری اطلاعات و کشف جواب قرار دهم. البته برای بالا بردن کارایی این روش توجه داشتم که:

- مفاهیم و مسائلی را انتخاب کنم که با واقعیت تطبیق داشته و قابل بررسی و کاوش باشند.
- شرایط فعالیت و استفاده از وسایل کمک آموزشی را

۱. ابتدا تدریس خود را با طرح یک پرسش، معما یا مشکل آغاز می‌کنم و از دانش‌آموزان می‌خواهم جواب یا راه‌حل را پیدا کنند. مثلاً برای به فکر واداشتن دانش‌آموزان درباره مضرات آلودگی هوا، ابتدا چند برگ کاغذ را در کلاس با کبریت سوزاندم و سپس درباره دود و آلودگی هوا که باعث سرفه دانش‌آموز شده بود، شروع به بحث کردم و این سؤال را مطرح کردم که علت سرفه شما چه بود؟

۲. برخلاف روش‌های معمول، من در این روش نقش راهنما را داشتم و جواب سؤال را مستقیماً در اختیار دانش‌آموزان قرار ندادم. در مورد جواب‌های

**به عنوان معلم،
در این روش
موفقیت خود را
بر اساس کیفیت
پرسش و پاسخ
و نتیجه گیری،
ارزشیابی کردم
و نتیجه
قابل قبول
به دست آمد**

گیاهان نظرهای جالبی اظهار کرد. من در این مرحله به دقت به نظراتشان گوش دادم و بدون اشاره مستقیم به درستی یا نادرستی نظرات، به کمک دانش آموزان، بحث را تا رسیدن به هدف نهایی درس به همین گونه ادامه دادم. البته نکته‌ای که همواره در نظر دارم این است که از همه دانش آموزان طی سؤالات متفاوتی نظرخواهی می‌کنم و در کلاس دانش آموزی غیر فعال و شنونده صرف نیست.

۵. در صورت لزوم، نظریات دانش آموزان را برای بقیه دانش آموزان روشن تر و کامل تر توضیح می‌دادم و آن‌ها را به گونه‌ای هدایت می‌کردم که در بین گروه به شکلی عمل و بحث کنند که از نظریات یکدیگر به درستی آگاه شوند. در حین فرایند یاددهی- یادگیری، سعی کردم از سطوح بالای یادگیری نیز سؤالاتی مطرح سازم، مانند: چگونه می‌توانیم این فرایند یا این بحث کلاس را به صورت ساده تر توضیح دهیم یا چگونه می‌توان این دو نظر را یکی دانست؟ به عبارت دیگر، آن‌ها را به بیان نظر با دلیل و برهان و درک کامل تشویق می‌کردم.

۶. برای جبران کمبود وقت کلاس، جواب تعدادی از سؤالات ساده را به خود دانش آموزان و به خارج از کلاس درس محول کردم. نیز زمان مباحث کلاس درس را با توجه به سادگی

و یا مشکل بودن سؤال و درس مورد نظر، میزان راهنمایی خود و اطلاعات قبلی دانش آموزان تنظیم کردم.

از جمله مزایایی که من در این روش تدریس آن‌ها را درباره اکثر دانش آموزانم متوجه شدم، عبارت‌اند از:

- این روش سبب پرورش توانایی‌های فکری دانش آموزان و افزایش مهارت‌های ذهنی آن‌ها می‌شود و در جریان کاوش و گردآوری اطلاعات انواع راه‌های یادگیری را تجربه می‌کنند و می‌آموزند.

- به دلیل اینکه تجربه‌ها و یافته‌های به دست آمده محصول کشف خود دانش آموزان هستند، میزان پایداری مطالب در حافظه آنان بیشتر است و ذوق و علاقه به یادگیری و فعالیت بیشتر در آنان تقویت می‌شود.

- دانش آموزان معلومات پراکنده خود را برای رسیدن به پاسخ نظم می‌دهند، از ترکیب و نظام‌دهی آن‌ها مجهولات را کشف می‌کنند و به تدریج به خود متکی می‌شوند و به نظم فکری و دقت کردن عادت می‌کنند.

- با قبول نظرات صحیح دانش آموزان و تأیید فعالیت‌هایشان به وسیله گروه، اعتماد به نفس آن‌ها افزایش می‌یابد و چون خود به عنوان معلم، یکی از افراد گروه بودم، دانش آموزان احساس آزادی

می‌کردند و نظرات خود را به راحتی می‌گفتند البته طی این فرایند دانش آموزان احتیاط هم می‌کنند چون هم گروه‌هایشان مطالبی را قبول دارند که مبنای علمی داشته باشد. در کل حس همکاری آن‌ها نیز تقویت می‌شود.

در نهایت می‌توان این نکته را نیز اضافه کرد که خودم به عنوان معلم، در این روش موفقیت خود را در تحقق هدف، بر اساس کیفیت پرسش و پاسخ، نتیجه‌گیری و سایر واکنش‌های دانش آموزان ارزشیابی کردم و نتیجه قابل قبول به دست آمد.

نکته قابل توجه این است که اجرای موفقیت‌آمیز این الگو و روش تدریس، مستلزم وجود معلم یا مربی ماهر و متخصص و آشنا به تمامی ابعاد این روش است. به معلمان توصیه می‌کنم که ضمن کسب اطلاعات و مطالعات فراوان، قدرت تشخیص و جهت‌دهی درست به پاسخ‌ها و سؤال‌های دانش آموزان را در خود تقویت کنند.

از این روش می‌توان در تمام سنین و دوره‌های تحصیلی بهره‌مند شد. ما معلمان نباید آموزش خود را به یک روش تدریس محدود کنیم و همواره باید به خاطر داشته باشیم که هدف از تغییر روش و ایجاد تحول در نظام آموزشی، پرورش اندیشه‌ورزی و افزایش قدرت تفکر و نیز تشویق دانش آموزان به درک عمیق و یادگیری فعال است.